

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۸۱ / ۲ / ۲۰

دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

وزارت اطلاعات و امور سیاسی ایران  
تعمیرات

### جهانی شدن و بازسازی اندیشه دینی در ایران

نگارش: فردین قریشی

استاد راهنما: دکتر محمد هادی سمتی

اساتید مشاور:

۱۶۳۹۴

دکتر منوچهر محمدی

دکتر عبدالله رمضانزاده

پایان نامه برای دریافت درجه دکتری در رشته روابط بین الملل

آذر ماه ۱۳۸۰

۳۹۹۹۵

اهداء به

علی شریعتی

به او که روحی چون آب زلال داشت

و

حیات و مرگش شهادت بود

شهادت به حقایقی که انکار می شود

## چکیده

این رساله بدنبال یافتن پاسخ به این پرسش است که تحول در سلسله مراتب اجتماعی انواع مختلف بازسازی فکر دینی در ایران تابع چه متغیری است؟ فرضیه‌ای که در این خصوص راهنمای کار بوده است عبارت از این است که «در تاریخ معاصر ایران سلسله مراتب اجتماعی انواع مختلف بازسازی و یا موقعیت اجتماعی هرکدام از آنها، از سلسله مراتب اجتماعی اندیشه‌های جهانی تبعیت می‌کند». در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات گرد آوری شده، از یک مدل ابتکاری استفاده شده است. در این مدل موقعیت اجتماعی اندیشه‌ها تحت تأثیر چهار متغیر است که عبارتند از: (۱) عقلانی بودن (۲) کشش احساسی و عاطفی (۳) عملی بودن و (۴) اتکاء به قدرت. با استفاده از این مدل استدلال کرده‌ایم که بازسازی‌هایی که دارای بیشترین نفوذ اجتماعی بوده و نسبت به سایر بازسازی‌ها، از بیشترین استقبال عمومی برخوردار بوده‌اند، آنهایی هستند که از ناحیه اتکاء به قدرت به جاذبه عمومی اندیشه‌های پرنفوذ جهانی متصل شده‌اند و از اینرو از بازسازی‌های رقیب پرجاذبه‌تر جلوه کرده‌اند. این یافته نظری با واقعیات تاریخی قرن بیستم، آزمون شده و نتیجه حاصله افزایش اعتبار تجربی آن است. روشن‌تر آنکه هرگاه بخواهیم تاریخ سیطره جامعه شناختی اندیشه‌ها در جهان قرن بیستم را توصیف کنیم شاهد سیطره لیبرالیسم از ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۷، فقدان سیطره اندیشه‌ای خاص از ۱۹۱۷ تا ۱۹۴۵، برجستگی ناسیونالیسم از ۱۹۴۵ تا اواسط دهه ۱۹۶۰، تسلط مارکسیسم از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۸۰ و نهایتاً تجدید حیات سیطره لیبرالیسم از اواسط دهه ۱۹۸۰ تاکنون می‌باشیم. مطابق فرضیه ما این وضعیت سبب شده است که در هر دوره‌ای، بازسازی همسو با اندیشه مسلط جهانی، در میان نوگرایان دینی از بیشترین نفوذ برخوردار شده و بیشترین حامی و هوادار را به خود اختصاص دهد. به عبارت دیگر در تاریخ قرن بیستم ایران به وضوح ناظر سیطره بازسازی آزادی محور از مشروطه تا روی کار آمدن رضاخان، فقدان سیطره نوع خاصی از بازسازی در دوره رضاخان، سیطره بازسازی ملیت محور از اوایل دهه ۱۳۲۰ تا اواسط دهه ۱۳۴۰، تسلط بازسازی عدالت محور از اواسط دهه ۱۳۴۰ تا اواسط دهه ۱۳۶۰ و نهایتاً تجدید حیات بازسازی آزادی محور از اواسط دهه ۱۳۶۰ تا به اکنون می‌باشیم. در واقع رابطه معناداری بین تحولات جامعه شناختی اندیشه در جهان و تحولات جامعه شناختی بازسازی ملاحظه می‌شود. براین اساس تأمل برای برون رفت جامعه فکری کشور از این وضعیت را تجویز نموده‌ایم.

## سپاسگذاری

در تهیه و ارائه این رساله ضمن بهره‌مندی از توفیق و عنایت حضرت حق تعالی، از مساعدت اساتید بزرگوار و دوستان ارجمندی بهره‌مند شده‌ام که لازم است پیش از آغاز مباحث، مراتب امتنان و سپاسگذاری خویش را نسبت به تک تک آنان اعلام دارم. لذا از جناب آقای دکتر محمد هادی سمتی، استاد راهنمای این رساله، جناب آقای دکتر منوچهر محمدی و جناب آقای دکتر عبدالله رمضان زاده که اساتید مشاور این پایاننامه بودند و جناب آقای دکتر بشیریه، جناب آقای دکتر سجادپور و جناب آقای دکتر تاجیک که بعنوان اساتید داور ایفای نقش نمودند تشکر می‌کنم. همچنین از جناب آقای دکتر افتخاری و گروه محترم روابط بین‌الملل که زحمت ارزیابی و تصویب طرح رساله را متقبل شدند سپاسگذاری می‌نمایم. نیز از مرکز پژوهشهای بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به خاطر حمایت از این پایاننامه و از پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی به خاطر اعطای فرصت مطالعاتی به اینجانب برای تهیه این نوشتار تشکر می‌کنم. همچنین از آقایان دکتر علیمحمد حاضری، محمدرضا دولت رفتار، دکتر عباس کشاورز، دکتر محمد سالار کسرای، دکتر علی مرشدی زاد، دکتر ابوالفضل دلاوری، عبدالعظیم عنایتی، نوراله قیصری، مصطفی مهرآیین، مهدی مهدیزاده، دکتر محمد توحید فام، منصور انصاری و معراج قریشی و خانمها شاهرخی، تالاری، ورزنده، قشلاقی، سیدی، توکلی، ولیجانی، روح نواز، نیوشا و نیالا صمدی آذر، به خاطر زحمات ارزشمندشان سپاسگذاری و نهایتاً از همفکری، همراهی و مساعدت‌های همسرم خانم نازیلا صمدی آذر قدردانی می‌کنم. توفیق و شادکامی همه این عزیزان و همه آنان را که به نحوی با عمل، اثر و یا اندیشه خویش مرا یاری رساندند از خداوند بزرگ و متعال مسئلت دارم و برای همه آنها سعادت و حسن عاقبت آرزو می‌کنم.

فردین قریشی

## فهرست مطالب

مقدمه	۱
<b>بخش اول - مبانی نظری</b>	۱۲
اشاره	۱۳
<b>فصل اول - جهانی شدن و تجلی آن در عرصه اندیشه ها</b>	۱۴
۱- نگاهی به تفاسیر موجود	۱۴
الف) تفسیر رئالیستی	۱۵
ب) تفسیر لیبرالیستی	۱۸
ج) تفسیر مارکسیستی	۲۲
د) تفسیر رفتارگرایانه	۲۶
و) تفسیر جامعه شناسانه	۲۹
ه) تفسیر فرانوگرایانه	۳۷
۲- تلاش برای ارائه یک چارچوب نظری جدید	۳۹
الف) جهانی شدن و معنای آن در عرصه اندیشه ها	۳۹
ب) شرایط توفیق یک اندیشه در صعود به اریکه گفتمان مسلط در جهان	۴۶
۱) عقلانی بودن	۴۶
۲) کشش احساسی و عاطفی	۴۷
۳) عملی بودن	۴۸
۴) اتکاء به قدرت	۴۹

۵۲	..... (ج) آثار تسلط یک گفتمان بر موقعیت اجتماعی اندیشه‌های دیگر
۵۴	..... فصل دوم - بازسازی فکر دینی در شرایط جهانی شدن
۵۴	..... ۱- مروری بر دیدگاه‌های موجود
۵۵	..... الف) دیدگاه اول
۵۸	..... ب) دیدگاه دوم
۵۹	..... ۲- ماهیت بازسازی و منطق فکری و جامعه شناختی آن در جهان امروز
۶۰	..... الف) شاخصهای بازسازی
۶۰	..... ۱) دریافت و ارائه تلقی‌های نوینی از متون دینی
۶۳	..... ۲) معطوف بودن به توانمندسازی اندیشه دینی در عرصه‌های مختلف
۶۶	..... ۳) قابل نقد عقلانی بودن
۶۹	..... ۴) حفظ خلوص و اصالت اندیشه دینی
۷۲	..... ب) عوامل بازسازی
۷۲	..... ۱) یافته‌های نظری
۷۶	..... ۲) دگرگونی‌های عملی
۸۰	..... (ج) موقعیت اجتماعی گفتمان‌های مختلف بازسازی
۸۴	..... خلاصه و نتیجه بخش اول

**بخش دوم: دوره ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۴** ..... ۸۷

..... اشاره ..... ۸۸

**فصل سوم - سیطره روبه زوال لیبرالیسم در بازار جهانی اندیشه‌ها (دوره ۱۹۱۷-۱۹۰۰)** ..... ۹۰

..... ۱- موقعیت جهانی لیبرالیسم ..... ۹۰

الف) جذاییت‌های ذهنی (عقلانی بودن و کشش احساسی و عاطفی).....	۹۱
۱) دیدگاه معرفت‌شناسانه .....	۹۱
۲) بینش انسان‌شناسانه .....	۹۳
۳) تئوری اقتصادی .....	۹۵
۴) اندیشه سیاسی .....	۹۶
۵) شاخص‌های فرهنگی .....	۹۹
ب) امتیازات عینی (عملی بودن و اتکاء به قدرت).....	۱۰۶
۱) عملی بودن.....	۱۰۲
۲) اتکاء به قدرت.....	۱۰۳
۲- وضعیت لیبرالیسم در محافل فکری ایران .....	۱۰۵
الف) سنت‌گرایان .....	۱۰۵
ب) متجددین .....	۱۰۹
ج) نوگرایان دینی .....	۱۰۹
<b>فصل چهارم - حاکمیت روبرو به زوال گفتمان آزادیخواهانه در عرصه بازسازی فکر دینی. ۱۱۲</b>	
۱- عبدالرحیم طالبوف تبریزی .....	۱۱۳
۲- آیت الله میرزا محمد حسین نایینی غروی .....	۱۱۸
خلاصه و نتیجه بخش دوم .....	۱۲۴

**بخش سوم: دوره ۱۹۱۷ تا ۱۹۸۵ .....**

اشاره .....	۱۲۷
<b>فصل پنجم - چالش ایدئولوژیها .....</b>	۱۲۸



۱- تحریر و ارزیابی وضعیت ایدئولوژیهای مختلف در سطح جهانی ..... ۱۲۸

الف) جذابیت‌های ذهنی (عقلانی بودن و کشش احساسی و عاطفی) ..... ۱۲۹

۱) لیبرالیسم ..... ۱۲۹

۲) مارکسیسم ..... ۱۳۰

۳) ناسیونالیسم ..... ۱۳۷

ب) جذابیت‌های عینی (عملی بودن و اتکاء به قدرت) ..... ۱۴۰

۱) لیبرالیسم ..... ۱۴۰

۲) مارکسیسم ..... ۱۴۲

۳) ناسیونالیسم ..... ۱۴۴

۲- بررسی وضعیت ایدئولوژیهای مختلف در ایران ..... ۱۴۷

الف) سنت‌گرایان و متجددین ..... ۱۴۸

۱) سنت‌گرایان ..... ۱۴۸

۲) متجددین ..... ۱۵۰

ب) نوگرایان دینی ..... ۱۵۸

**فصل ششم - جایابی گفتمان‌های مسلط بازاری در هماهنگی با تحولات جهانی ..... ۱۶۳**

۱) مهدی بازرگان، نماینده سیطره گفتمان ملی‌گرایانه بازاری ..... ۱۶۴

۲) علی شریعتی، شاخص تسلط گفتمان چپ‌گرایانه بازاری ..... ۱۸۰

**خلاصه و نتیجه بخش سوم ..... ۲۰۰**

**بخش چهارم - دوره ۱۹۸۵ تا کنون ..... ۲۰۲**

اشاره ..... ۲۰۳

فصل هفتم - تجدید حیات لیبرالیسم در عرصه سیطره بر بازار جهانی اندیشه‌ها ..... ۲۰۴

۱- موقعیت لیبرالیسم در جهان ..... ۲۰۵

الف) جذابیت‌های ذهنی ..... ۲۰۵

ب) جذابیت‌های عینی ..... ۲۱۱

۲- موقعیت لیبرالیسم در ایران ..... ۲۱۶

الف) سنت‌گرایان و متجددین ..... ۲۱۶

ب) نوگرایان دینی ..... ۲۱۸

فصل هشتم - تجدید حیات سیطره‌گفتمان آزادیخواهان در عرصه بازسازی فکر دینی ..... ۲۲۱

۱- محمد مجتهد شبستری ..... ۲۲۲

۲- عبدالکریم سروش ..... ۲۴۰

خلاصه و نتیجه بخش چهارم ..... ۲۵۲

ارزیابی و نتیجه‌گیری نهایی ..... ۲۵۴

منابع و مأخذ ..... ۲۶۷

## مقدمه

اندیشه دینی<sup>(۱)</sup> در طول تاریخ تحولات فراوانی را پشت سر نهاده است. از یک سو بخشهایی از آن متروک افتاده، بخشهایی تحریف شده، بخشهایی گرفتار التقاط گشته و بخشهایی دچار ناتوانی و تحجر گشته است و از سوی دیگر اقداماتی از سوی متفکران دینی در جهت احیاء بخشهای متروک، اصلاح بخشهای تحریف و تلفیق شده و بازسازی بخشهای ضعیف و منجمد شده به انجام رسیده است. در این میان بحث ما معطوف به کار بازسازی اندیشه دینی است، که متفکران دینی بازساز عهده دار آن بوده اند.

بازسازی اندیشه دینی به مفهوم ارائه تفاسیر جدید از متون دینی است. اما هر تفسیر جدیدی در حکم بازسازی نیست. بلکه برای تحقق بازسازی، لازم است هدف تفسیر توانمند سازی اندیشه دینی باشد، محتوای آن قابل نقد عقلانی باشد و انجام آن تعارضی با حفظ خلوص و اصالت فکر دینی نداشته باشد.<sup>(۲)</sup>

این سنت فکری دارای علل و عواملی نیز هست. یعنی اینگونه نیست که یک متفکر دینی، فی البداهه به تفسیر جدیدی از متون دینی دست یابد، بلکه عوامل خاصی او را به این مسیر هدایت می کنند که عمده ترین آنها یافته های نظری جدید و دگرگونیهایی است که در عالم واقعیات به وقوع می پیوندد.<sup>(۳)</sup> اما نکته ای که در این میان جلب توجه می کند این

۱- در این نوشتار هر جا که از اندیشه دینی صحبت به میان آمده است، منظور اندیشه اسلامی است. مگر اینکه خلاف آن تصریح شده باشد.

۲- در خصوص شاخص های بازسازی فکر دینی در فصل دوم توضیحات مفصلی ارائه شده است.

۳- در این خصوص پژوهش های ارزشمندی نیز به انجام رسیده است که از جمله آنها نمونه هایی است که در فصل دوم این پژوهش تحت عنوان دیدگاههای موجود پیرامون بازسازی فکر دینی بررسی شده است.

است که عوامل مزبور در اغلب اوقات به پیدایش تفاسیر متعددی می‌انجامد. به عبارت دیگر فرایند تفسیر مسیر واحدی را نمی‌پیماید. بلکه تفسیرهای مختلف خلق می‌شوند و این تفاسیر با همدیگر متفاوت و حتی متعارضند.

حال باید گفت علیرغم این تنوع و تکرر بسیاری اوقات یکی از تفاسیر موجود تفسیر غالب می‌شود و مخاطبین تفاسیر نو، این تفسیر را بیش از دیگران مورد توجه قرار می‌دهند و آن را به عنوان تفسیر مطلوب قبول می‌کنند. و از همین رو این تفسیر دارای نفوذ فکری و اجتماعی بیشتری در مقایسه با دیگر تفاسیر می‌گردد. اما با گذشت زمان این تفسیر غالب جای خود را به تفسیر دیگری می‌سپارد و همین طور اینکار ادامه پیدا می‌کند و به شهادت تاریخ عمر غلبه یک تفسیر جاودانه نیست و تاریخ اندیشه شاهد جابجایی در عرصه نوع گفتمان مسلط بر باز تفسیر اندیشه دینی است.<sup>(۴)</sup>

همین جا پرسش با اهمیتی مطرح می‌شود و آن اینکه عامل جابجایی در عرصه تفاسیر و یا بازسازی‌های مسلط چیست؟ در واقع چه عاملی سبب افول یک تفسیر غالب و غلبه تفسیری دیگر می‌شود؟ و به عبارتی دیگر چرا از میان تفاسیری که همگی جدیدند یکی در یک دوره معین سیطره می‌یابد ولی در دوره بعدی جای خود را به دیگری می‌دهد؟

تلاش ما در این پژوهش معطوف به یافتن پاسخ به پرسش فوق در ارتباط با ایران است. از اینرو سوال اصلی پژوهش حاضر را می‌توان بدین سان تحریر نمود که «عامل اصلی تغییر در نوع گفتمان مسلط بر بازسازی اندیشه دینی، در دوره‌های مختلف تحولات ایران چیست؟ و به یک بیان دیگر چه عاملی موجب برکشیده شدن نوع خاصی از بازسازی در دوره‌ای خاص و تغییر آن در دوره‌ای دیگر می‌شود؟». از آنجائیکه وضوح هر چه بیشتر پرسش ما را در یافتن پاسخ آن یاری خواهد کرد، توضیح مختصری در این خصوص

۴- بدیهی است که مسلط یا غالب بودن یک تفسیر یا گفتمان پدیده‌ای جامعه شناختی است و ناظر بر میزان نقش و نفوذ فکری و اجتماعی آن در جامعه یا جهان است و از اینرو لزوماً دلیلی بر برتری تئوریک آن تفسیر یا گفتمان محسوب نمی‌شود.

سودمند به نظر می‌رسد.

چنانکه میدانیم در تاریخ تحولات فکری ایران، همواره جایی نیز برای بازسازی فکر دینی وجود داشته است. از متون دینی تفاسیر جدیدی عرضه می‌شده و از بین این تفاسیر، در هر دوره‌ای، تفسیر خاصی نیز گنتمان غالب را رقم می‌زده است. نگاهی به تفاسیر مزبور و گنتمان‌های غالب حاکی از آن است که علل پیدایش این تفاسیر و برآمدن یکی از آنها بعنوان گنتمان غالب و جایگزینی آن در دوره‌های بعدی، عموماً داخلی بوده‌اند. اما از دوره مشروطه به این سو با آشنایی متفکران و اصحاب اندیشه ایران با افکار جدید غربی، اوضاع و احوال حاکم بر جامعه فکری ایران و از جمله جریان بازسازی فکر دینی، به کلی دگرگون می‌شود. در حوزه بحث ما، تفاسیر جدیدی از متون دینی، تحت تاثیر آشنایی با یافته‌های نظری غرب و آگاهی از پیشرفت‌های آن دیار پا به عرصه وجود می‌نهد و برخی از آنها تبدیل به گنتمان مسلط بر جریان بازسازی اندیشه دینی می‌شوند و در گذر زمان جایجایی‌هایی در این عرصه پدیدار می‌شود.

هرگاه بخواهیم سخن را عینی‌تر کنیم می‌توان گفت از دوره مشروطه به این سو تفاسیر آزادیخواهانه، ملی‌گرایانه و عدالت‌طلبانه جدیدی از متون دینی ارائه گشته است که به وضوح می‌توان ارتباط آنها را با دستاوردهای فکری جدید غرب مشاهده نمود. اما چنانکه می‌دانیم وزن اجتماعی هر کدام از این تفاسیر در هر دوره‌ای متفاوت بوده است. از دوره مشروطه تا روی کار آمدن رضاخان گنتمان غالب، بازسازی آزادیخواهانه است و از همین رو متفکران برجسته بازسازی، افرادی چون طالبوف و نائینی می‌باشند. در دوره رضاخان گنتمان مسلطی وجود ندارد. اما از زمان سقوط او در شهریور ۱۳۲۰ تا اواسط دهه ۱۳۴۰ بازسازی ملی‌گرایانه گنتمان غالب می‌شود و به همین لحاظ مهدی بازرگان برجسته‌ترین چهره بازسازی اندیشه دینی است. از اواسط دهه ۱۳۴۰ باز شاهد جایجایی در گنتمان غالب هستیم و از این تاریخ تا اواسط دهه ۱۳۶۰ بازسازی چپ‌گرایانه، برجسته‌ترین گنتمان بازسازی است و به همین دلیل شریعتی برجسته‌ترین چهره بازسازی فکر دینی

است. اما از اواسط دهه ۱۳۶۰ جابجایی دیگری در عرصه نوع‌گفتمان غالب مشاهده می‌شود و چنانکه می‌دانیم از سالهای مزبور تاکنون، بازسازی آزادخواهانه، یکبار دیگر جایگاه گفتمان غالب را در فرایند بازسازی فکر دینی بدست آورده است و از همین رو متفکرانی چون مجتهد شبستری و سروش متفکران برجسته بازسازی فکری دینی در ایران کنونی گشته‌اند.

بدیهی است که جابجایی‌های فوق‌الذکر باید علتی داشته باشد و پرسش از علت مزبور همان است که از آن به سوال اصلی این پژوهش یاد کردیم. در حقیقت این نوشتار در پی یافتن عامل درخشش و افول گونه‌های مختلفی از بازسازی فکر دینی در تاریخ معاصر ایران است.

یافتن پاسخ این پرسش از این دو لحاظ دارای اهمیت است. نخست اینکه پاسخ مزبور می‌تواند دیدگاه ما را در خصوص عوامل جابجایی گفتمان‌های مسلط بازسازی تحول بخشیده و با دقیق‌تر سازد. چرا که دیدگاه فعلی در این خصوص یا یک نگرش اندیشه‌ای است که جابجایی گفتمان‌های مختلف را مربوط به قوت عقلی و منطقی آنها می‌داند و تغییر آن را به ضعف عقلی و منطقی در برابر رقیب ربط می‌دهد و یا یک نگرش جامعه‌شناختی است که غالب بودن یک گفتمان را مدیون پیوند آن با منافع اقتصادی اکثریت افراد جامعه می‌داند و دگرگونی آن را نتیجه دگرگونی در ساختار اجتماعی جامعه و نا همسو شدن منافع اکثریت با گفتمان در حال افول و همسویی آن با گفتمان در حال ظهور ارزیابی می‌کند.<sup>(۵)</sup>

هرگاه در خصوص این دو نگرش اندیشه‌ای و جامعه‌شناختی بیشتر تأمل کنیم، می‌توان

۵- در رابطه با این دو نگرش می‌توان به دیدگاههایی که با تکیه بر ایده‌های توماس کوهن در کتاب «ساختار انقلابات علمی» و ایده‌های کارل مانهایم در کتاب «ایدئولوژی و اتوپیا» قابل طرح می‌باشند اشاره کرد. چرا که به نظر کوهن یک پارادایم فکری زمانی از بین می‌رود که قادر به پاسخگویی به سوالات جدید نیست و این در حالی است که پارادایم در حال ظهور از عهده چنین کاری برمی‌آید و مانهایم بر این باور است که غلبه تفکر ایدئولوژیک و یا اتوپیایی مدیون نوع ساختار اجتماعی موجود می‌باشد.

دریافت که تبیین و توضیح<sup>(۶)</sup> هیچکدام از این دو نگرش با داده‌های تجربی سازگار نیست. چراکه اگر تحلیل اندیشه‌ای مطابق با واقع باشد، هیچ گفتمان غالبی بدون پذیرش ضعف و رخوت منطقی سیطره خود را از دست نخواهد داد. در حالی که داده‌های تاریخی ما حاکی از بطلان این دیدگاه است. برای نمونه علیرغم اینکه قوت عقلانی و منطقی گفتمان‌های بازسازی چپ‌گرا و آزادیخواه از سالهای دهه ۱۳۴۰ تاکنون چندان تغییری نکرده است، ولی می‌بینیم که از اواسط دهه ۱۳۴۰ تا اواسط دهه ۱۳۶۰ گفتمان چپ‌گرا غالب است و از این زمان به بعد گفتمان آزادیخواه سیطره می‌یابد. از اینرو می‌توان از این ایده دفاع نمود که افول غلبه گفتمان چپ علتی غیر از مسائل عقلانی و منطقی داشته است. به عبارتی دیگر نگرش اندیشه‌ای در مقابل این پرسش انتقادی که چرا گفتمان چپ‌گرایانه بازسازی «مشخصاً» در اواسط دهه ۱۳۶۰ جای خود را به گفتمان آزادیخواهانه می‌دهد، پاسخ قانع‌کننده‌ای نخواهد داشت.

در خصوص نگرش جامعه‌شناختی موجود نیز وضع به همین فرار است. به این معنا که مقایسه مقتضیات اجتماعی گفتمان‌های موجود با آنچه در عالم واقعیات وجود دارد، کارآمدی این نگرش را زیر سوال می‌برد. برای مثال در صورت صحیح بودن این نگرش، باید در زمان حاکمیت گفتمان چپ‌گرایانه بازسازی، اکثریت مخاطبین بازسازی را طبقات و اقشار فرودست جامعه تشکیل دهند و در زمان حاکمیت گفتمان آزادیخواهانه، اکثریت مخاطبین بازسازی باید از طبقه متوسط و فرادست باشند و زمانی گفتمان غالب چپ جای خود را به گفتمان آزادیخواهانه بدهد که در جامعه اقشار فرو دست اکثریت خود را از دست داده و در اقلیت قرار بگیرند و از این طریق گفتمان آزادیخواه بتواند با تکیه بر منافع اکثریت به گفتمان غالب تبدیل شود.

بدیهی است که اطلاعات عینی ما این تحلیل را نمی‌پذیرد. چرا که مخاطبین بازسازی در دوره سیطره گفتمان چپ‌گرایانه بازسازی، اکثراً از طبقات متوسط بوده‌اند و اتفاقاً